

## چکیده

با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند ضرورت دارد در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته باشند. از سوی دیگر ابعاد انسانی این گفتار باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا زنان به عنوان یکی از دو عنصر انسانی همانند مردان حق و حقوقی دارند که جامعه موظف است آنها را رعایت کند.

از این رو برنامهریزی کامل برای عملی شدن مشارکت اجتماعی این گروه و شناخت بهتر و بیشتر نگرش و باور آنان، لازم و ضروری است تا به این ترتیب موانع و محدودیتها شناسایی و بدینوسیله شخصیت واقعی زنان در جامعه شناخته شود و دیدگاههای آنان در مورد مشارکت اجتماعی مشخص و امکان ارائه راهکارهای مناسب برای مشارکت بیشتر این گروه آماده شود.

در همین زمینه پژوهشی با نام «بررسی نگرش زنان شهرستان کردکوی نسبت به مشارکت اجتماعی» صورت گرفته است، به منظور سنجش میزان نگرش، نمونه‌ای به حجم ۳۵۶ نفر به تفکیک مناطق شهری و روستایی مورد گزینش قرار گرفت و با استفاده از روش پیمایشی (Survey) و تکنیک پرسشنامه همراه با مصاحبه حضوری، داده‌ها جمع آوری شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بطور کلی زنان مورد مطالعه، نسبت به مشارکت اجتماعی نگرش مثبتی دارند با توجه به این نکته که بیشتر زنان، مشارکت اجتماعی را صرفاً مشارکت در عرصه‌های اقتصادی و بطور مشخص استقلال مالی تلقی می‌کنند و در همین زمینه سواد، بیشترین تأثیر را بر میزان نگرش دارد و سپس شاغل و مجرد بودن، رتبه‌های بعدی را دارد و تفاوت نگرشی معناداری بین زنان شهری و روستایی مشاهده نمی‌شود، از این رو افزایش آگاهی و آموزش زنان به عنوان مناسب‌ترین شیوه گسترش مشارکت اجتماعی آنان، پیشنهاد می‌شود.

در همین حال وجه مشخص دهه‌های گذشته، نشانگر نوعی درخواستها و مطالبات زنان است که در این مطالبات، روح مساوات طلبی و برابری حاکم است.

اندیشه استقلال و قدرت تصمیم‌گیری به نوعی در زنان امروز دنیا شکل گرفته است که دخالت در امور اجتماعی و شرکت در فعالیتهای زندگی از تقاضاهای اولیه آنان است بطوریکه دستیابی به قدرت اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی از ویژگیهای بارز زنان امروز به شمار می‌رود.

از این رو بدیهی است جامعه ما از این دگرگونیها جدا نیست و نخواهد بود و آنچه امروز در ایران دیده می‌شود، تغییر نگرشها و باورها نسبت به توانایی زنان است، هرچند میزان این تغییرات، نسبت به بعضی از کشورهای دنیا بسیار پائین است، ولی گرایشهای آن بسیار شدید است.

مرکز تحقیقات کمیتر علوم اجتماعی  
پیشگفتار

دگرگونیهای اجتماعی در دهه‌های گذشته موجب شد تا از استعدادهای انسانی، استفاده‌های ویژه‌ای شود، از این رو تقسیم کار در پیچیده‌ترین وضع ممکن در عرصه فعالیت‌های جامعه از نخستین راهکارهای دستیابی به زندگی بهتر شناخته شد. یکی از متغیرهایی که در فرایند تقسیم کار اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، جنسیت است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد نوع فعالیت زنان و مردان در جوامع گوناگون همواره متفاوت بوده است، اما نمی‌توان نتیجه گرفت که این فعالیتها در بستر تاریخ، تغییر یا دگرگونی نیافته باشد، به گونه‌ای که همواره در دوره‌های متفاوت تاریخی، نقشهای اجتماعی و اقتصادی زنان و مردان با یکدیگر جایجا می‌شده است.

نگرش زنان  
نسبت به  
مشارکت اجتماعی  
در استان گلستان(مطالعه موردی:  
شهرستان کردکوی)

حسین کردی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

در زمان پیشرفت ملت یونان، زن از نظر اخلاقی و حقوق و رفتار اجتماعی در نهایت بدبختی و تیره‌روزی به‌سر می‌برد. (۱۷: ص ۱۲) بطوریکه فاقد شخصیت اجتماعی بود. (۱۶: ص ۱۰)

این وضع در روم باستان هم دیده می‌شود، گوستاو لوبن می‌نویسد: در روم باستان با زنان، رفتار مستبدانه داشتند و افکار عمومی، زن را فتنه‌گرو محرک مرد به انجام خیانت می‌دانست. خرید و فروش برده که زن جزء مهمی از آنها بود، رواج کامل داشت. (۴۵: ص ۲۷)

زنان در مصر باستان ارج کم‌وبیشی داشتند، بدین ترتیب که دختران را خواهر خطاب می‌کردند و اجازه می‌دادند که زنان در مجامع حاضر شوند، ولی دختران زیبا را برای پر آب شدن رود نیل قربانی می‌کردند و روزگاری آنها را زنده به گور می‌کردند. (۱۴: ص ۲۱)

اعراب بدوی، برای زن، نه استقلالی در زندگی قائل بودند و نه حرمت و شرافتی. در این دوره زنان ارث نمی‌بردند و تعدد زوجات، آن هم بدون حدی معین جایز بود، آنها دختران را زنده به گور می‌کردند. البته در بعضی خانواده‌های عرب این رفتار هم رخ داده که به زنان بویژه دختران خود در امر ازدواج استقلال می‌دادند. (۴۴: ص ۹۴)

مدارک و شواهد بسیاری وجود دارد که بر اساس آن درمی‌یابیم که زنان در جامعه باستانی ایران، نقشی در جامعه نداشته‌اند و عملاً چه در سنن و عرف مرسوم و چه در قوانین مملکتی، جز کنیزگانی در خدمت مرد نبوده‌اند. در قوانین متداول، زن از ایام قدیم شخصیت حقوقی نداشت و در تملک مرد قرار داشت. (۱۶: ص ۱۰۵)

از آغاز ظهور ایرانیان در تاریخ، نهاد خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین هسته زندگی، صورتی منظم داشته و اقتدار مرد مسلّم و در حل و فصل امور خانواده حکم قطعی با او بوده است. بر جامعه، نظم مردسالاری حاکم بوده و جامعه در گذار از نظام مادرسالاری، مراحل اولیه خود را پشت سر گذاشته بود و با وجود اینکه مرد، بر تری مشخصی نسبت به زن در تصمیم‌گیری‌های نهایی داشته است،

با توجه به اینکه میزان مشارکت اجتماعی افراد می‌تواند ناشی از باورها و نگرش‌های آنان در خصوص این موضوع باشد، از این‌رو لازم و ضروری است بررسی و پژوهشی در این مورد صورت گیرد، زیرا میزان یائین مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی، ریشه در باورها و عقاید آنان نسبت به این امر دارد، از این‌رو ما بر این باوریم که در زنان جامعه مورد مطالعه، باورها و نگرشهای خاص شکل گرفته است که همانند سدّی، مانع ایفای نقش اجتماعی آنان در جامعه می‌شود.

شناخت این ارزشها و نگرشها از اهمیت بسزایی برای ارائه راهکارها و برنامه‌ریزیهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است. برای رسیدن به این مهم، پاسخگویی به پرسشهای زیر مورد نظر است:

- ۱- آیا نوع نگرش و باورهای زنان در مورد مشارکت اجتماعی آنان مانع فعالیت آنها در جامعه است؟
- ۲- آیا با توجه به سن، نوع نگرش و باور زنان نسبت به مشارکت اجتماعی متفاوت است؟
- ۳- آیا محل سکونت (شهر-روستا) باعث تفاوت در نگرش زنان در خصوص مشارکت اجتماعی آنان می‌شود؟
- ۴- آیا شاغل بودن- کار در خارج از خانه توسط زنان- تأثیری بر نوع نگرش آنها در مشارکت اجتماعی دارد؟
- ۵- آیا سطح سواد بر نگرش و باور زنان در مورد مشارکت اجتماعی آنها تأثیر دارد؟
- ۶- آیا وضع تاهل می‌تواند نوعی نگرش خاص را در مورد فعالیتهای اجتماعی زنان موجب شود؟

### زمینه تحقیق

برای آشنایی با نقش زنان در جامعه لازم است ابتدا جایگاه آنان در بستر تاریخ مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد. مطالعه سیمای زن در جوامع متعَدَن باستان می‌تواند سرآغاز مناسبی در این

○ از آغاز ظهور ایرانیان در تاریخ، در نهاد خانواده به‌عنوان هسته اصلی زندگی، قدرت مرد قطعی و مسلّم بوده و مقام زن به‌عنوان عضوی محترم و مقدس تثبیت شده است.

ولی مقام زن به عنوان عضوی محترم و مقدس تثبیت شده است. (۱۲: ص ۹۳)

از حدود آزادی و موقعیت اجتماعی زنان در ایران بعد از ظهور اسلام، اطلاعات دقیقی در دست نیست. همانگونه که امروز موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در سراسر ایران یکسان نیست و وضع اقتصادی و اجتماعی زنان مناطق شمالی با وضع عمومی زنان در مناطق مرکزی و جنوبی، فرق فراوان دارد، در سده‌های گذشته نیز مدارکی در دست است که چنین اختلافهایی برحسب موقعیت محل و عرف و عادات و سنن محلی بین زنان ایرانی وجود داشته است. (۵: ص ۶۳۷)

روی هم رفته در دوره‌های متفاوت سلسله‌های پادشاهی، نگرش متفاوتی نسبت به زنان دیده می‌شود که بطور کلی جایگاه مناسبی برای زنان قائل نبوده‌اند.

نگرش جدید به زن بعد از نهضت مشروطیت دیده می‌شود بویژه پس از نفوذ تمدن غرب در ایران نه تنها بسیاری از آداب و سنن قدیم اجتماعی ایرانیان دگرگون شد، بلکه در مقام و موقعیت اجتماعی زنان نیز تحولاتی پدیدار شد و بعضی از قوانین تغییر یافت و نهادهایی برای حل مشکلات زنان تأسیس شد. نخستین بار در سال ۱۳۴۱ شمسی در انتخابات حق رأی به زنان داده شد و از لحاظ حقوق سیاسی با مردان برابر شدند و در سال ۱۳۴۲ شمسی زنان برای تکمیل حقوق و آزادی خود تظاهراتی را برپا کردند و در سال ۱۳۵۰ شمسی نخستین انجمن زنان روزنامه‌نگار تشکیل شد، (۴۵: ص ۴۱) همچنین تعدادی از زنان به عنوان کارمند جزء، در ادارات و وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی و شرکتهای تعاونی روستایی و غیره مشغول به کار شدند. (۶: ص ۲۹)

در سده‌های گذشته پس از صنعتی شدن اروپا و انقلاب فرانسه، توجه به نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی به ویژه فعالیتهای اقتصادی دوچندان شد. دادن حق رأی به زنان در گسترش فرهنگ جدید سهم مهمی در بین کشورها داشته است و در مورد آزادی، زنان نیز حق تقدم داشتند. در سال ۱۷۹۸ به دنبال انقلاب فرانسه با اعلامیه‌ای، جنبش زنان

آغاز شد که در آن تأکید شده بود که زن آزاد به دنیا می‌آید و باید حقوق مساوی با مرد داشته باشد. شرط سعادت مردان و زنان، همکاری است. (۱۴: ص ۴۹)

زنان در انگلستان با مبارزه‌های شدیدی به استقبال آزادی رفتند و در سال ۱۸۹۷ برابر حقوق زن و مرد به تصویب پارلمان این کشور رسید (همان).

در اینجا دیدگاه مورس دوورزه اندیشمند توانای علوم اجتماعی در زمینه جایگاه زنان در سه بلوک شکل گرفته آن زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

وی در مورد وضع زنان در ایالت متحده آمریکا می‌نویسد: کمپایی زنان در دوره قهرمانی ایالات متحده موجب شد که ایشان ارزش بی اندازه‌ای کسب کنند، بدین سان نوعی مادر سالاری اخلاقی شکل گرفت. در جامعه کنونی آمریکا، بیشتر ثروت در اختیار زنان است و زنان بر رسانه‌های نوشتاری و رادیو و تلویزیون... نفوذ دارند.

دوورزه می‌نویسد: زنان در نظام سوسیالیستی مانند نظام سرمایه‌داری در مقایسه با مردان، ستم دیده‌اند. (۵: ص ۷۳۳)

وی معتقد است که در کشورهای توسعه‌نیافته وضع زنان از وضع اجتماعی مردان بدتر است. طبیعی است که ستم‌دیده‌ترین دسته اجتماعی، انقلابی‌ترین دسته باشند. (همان).

با توجه به اینکه ادیان، نقش بسزایی در نوع نگرش به زنان در تمام کشورهای دنیا داشته‌اند از این رو بر خورد با زنان در این کشورها نمی‌تواند بدون نقش ادیان باشد.

مروری بر دیدگاه ادیان و نقش آنان در اینجا موضوع را بهتر روشن می‌کند. یهودیان به استناد آیاتی از تورات که جادوگری را نهی می‌کنند زن را جادوی مردمی دانستند و معتقد بودند اجر عبادت زن نصف اجر همان عبادت توسط مردان است. (۱۴: ص ۲۳) در این دین، تولد دختر برای آنها امری ننگین و شرم آور بود و مادری که دختری به دنیا می‌آورد، پانزده روز نحس بود. (۱۸: ص ۳۸۲)

○ پس از نهضت مشروطیت و نفوذ تمدن غرب در ایران، در وضع اجتماعی زنان تحولاتی پدیدار و نهادهایی برای حل مشکلات زنان تأسیس شد.

در کاتهای آئین زرتشت، زن آزاد است که در پرتو خرد و اندیشه آنچه را که بهتر می‌داند برگزیند. به اعتقاد زرتشت، زن و مرد در خلقت برابر و از یک گوهر هستند. (۱۲: ص ۲۰) در این آئین دختران به محض بلوغ با تمایل خود می‌توانند ازدواج کنند. مردان در صورت امکانات مالی می‌توانند زن دیگری را هم به همسری اختیار کنند. (۱۴: ص ۳۶)

مطالعه در کتابهای مقدّس دین مسیح نشان می‌دهد که حضرت عیسی (ع) زنان و مردان را یکسان خطاب می‌کند و در دوران زندگی نیز احترام یکسانی به زنان و مردان می‌گذاشت، هر چند که در حاکمیت کلیسا در قرون وسطی، به زنان جفای بسیار رفت. (همان: ص ۳۷)

در بین ادیان بزرگ دنیا، دین اسلام به علت شرایط ظهور و شکل‌گیری در مورد همه مسائل مبتلا به جامعه انسانی نظر دارد. در یک بررسی کلی که از متون مربوط به اسلام صورت گرفت، دو موضع متفاوت در مورد نقش زن در جامعه در آن مشهود و قابل توجه است. در دیدگاه نخست، زن به‌عنوان نیمی از انسان و شریک زندگی مرد و تأمین‌کننده نیازهای عاطفی و طبیعی او و در نقش یک مادر و مربی فرزندان و هم‌دوش پدر و شوهر در مبارزه با مشکلات زندگی مطرح است.

در این زمینه از روایات و احادیث متعدد بهره می‌گیرند از جمله اینکه حضرت محمد (ص) فرمودند: از دنیای شما دوست ندارم چیزی جز نماز، زن و بوی خوش را، ایشان همچنین فرمودند، زنان را اکرام نکرد مگر مرد بزرگوار و به آن اهانت نکرد، مگر شخص پست و فرومایه و نیز می‌فرمایند: بر زنان بیش از حد توان آنها تکلیف نکنید و امام صادق (ع) می‌فرمایند بیشترین خیر و خوبی در وجود زنان است. (۲۰: ص ۱۷۳)

موضع دوم که مخالف دیدگاه نخست است، زنان در سخنان معصومین (ع) به شدت مورد تحقیر و اهانت واقع شده‌اند و از آنان به عنوان یاران شیاطین و مایه شر و زشتی یاد می‌شود، چنان که این عده به استناد فرموده‌ای از پیامبر اکرم (ص) که گفته‌اند: زنان دام شیطان هستند و علاقه و محبت به زنان

مانند شمشیری است، به دست شیطان اشاره می‌کنند و یا از قول امام علی (ع) نقل می‌کنند که فرمودند: از زنان بد بیره‌زید و از خوبان آنها بر حذر باشید. (همان: ص ۷۵)

البته توجه به این نکته لازم و ضروری است که دیدگاه‌های فوق نیاز به بررسی‌های بیشتر با توجه به منابع و دیدگاه‌های علمای اسلامی دارد که در این نوشتار نمی‌گنجد.

روشن است که کشورهای اسلامی تحت تأثیر این دو دیدگاه، مواضع متفاوتی در مورد نقش زنان در جامعه داشته است.

در پایان مبحث ادیان، اشاره به این نکته ضروری است که با توجه به تجربه اروپا در قرون وسطی هم‌زمان با آغاز جنبش‌های اجتماعی در دنیا، دیدگاه‌های تازه‌ای در مورد زنان توسط گروه‌ها و اندیشمندان علوم اجتماعی مطرح شد، از آن جمله می‌توان دیدگاه فمینیستی را نام برد.

نظریه فمینیستی، بخشی از یک رشته پژوهش درباره زن است که به طور ضمنی و رسمی، نظام فکری گسترده‌ای را درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم‌انداز یک زن ارائه می‌کند. (۸: ص ۴۶)

فمینیستها با افتخار می‌گویند که زنان می‌توانند مدعی نیمی از جهان شوند، اکنون زنان در بیشتر موقعیتهای اجتماعی حضور دارند، هر جا که زنان حضور ندارند، نداشتن حضور، به سبب ناتوانی یا علاقه آنها نیست، بلکه برای آن است که به عمد کوشش شده است تا آنها را از صحنه خارج کنند. (۴: ص ۴۶۱)

کریس ویلون، فمینیسم را سیاستی می‌داند که در زمینه تغییر روابط قدرت میان مرد و زن حرکت می‌کند.

فمینیسم یک رویکرد عملی یا اجتماعی واحد نیست و به شاخه‌های متعددی همچون لیبرال، مارکسیست، روانکاو، رادیکال و فرانوگرا تقسیم می‌شود. (۷۱: ص ۲۰)

بررسی و شکل‌گیری و اهداف و شعارهای فمینیسم در ایران نشان می‌دهد که فمینیسم در ایران شدیداً تحت تأثیر این جنبش در غرب بوده

○ زنان برای نخستین بار در سال ۱۳۴۱ در انتخابات شرکت و در سال ۱۳۴۲ تظاهرات برپا کردند، در سال ۱۳۵۰ نخستین انجمن زنان روزنامه‌نگار گشایش یافت و زنان به‌عنوان کارمند مشغول کار شدند.

است. بحث‌های خانم «ناهید مطیع» در مورد مشخصه‌های عمومی فمینیسم در ایران مؤید این ادعاست، این مباحث عبارتند از:

- ۱- تأکید بر اشتغال رسمی زنان به عنوان راه نجات آنها.
  - ۲- تأکید بر تقابل و دشمنی زن و مرد
  - ۳- توجه نکردن به تعدد در تنوع گروه‌های زنان در ایران.
  - ۴- تبلیغ و تأیید مشابتهای کامل زن و مرد.
- (۱۹: ص ۲۴)

خانم مهتاب رضایور معتقد است که فمینیسم با وجود ادعاهایی که دارد، کار را برای زنان مشکلتر کرده است، زیرا هم پیشنهاد خانواده‌نگ والدینی را می‌دهد و پرورش فرزندان را به زن واگذار می‌کند و علاوه بر آن مسئولیتهای اقتصادی فرزندان را بر عهده زن می‌گذارد. (۷: ص ۳۷)

دیدگاه دیگری را که با توجه به تأثیری که بر حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جوامع گذاشته است می‌توان نام برد، مکتب کارکردگرایی در جامعه‌شناسی است. پارسونز از جمله جامعه‌شناسان این نظریه، ضمن بررسی کارکردهای خانواده، بحث تقسیم کار را مطرح می‌کند و معتقد است که تقسیم کار بر اساس جنس صورت می‌گیرد. مرد را نان‌آور خانواده می‌دانند و وسیله جهت دهنده اهداف زندگی و زن را به عنوان همسر می‌دانند که وظیفه‌اش ایجاد رضایت همه اعضای خانواده است. (۱۵: ص ۱۱۰)

پارسونز، نه تنها نقش زنان را در زمان حاضر اساسی و ضروری می‌دانست، بلکه هشدار می‌داد که هرگونه تغییری در این نقشها با خطرهای زیادی همراه خواهد بود.

به نظر این قبیل کارکردگرایان، جنبش زنان به نابسامانیهای عقلی دامن می‌زند. این عده معتقدند که جنبش حقوق زنان سبب می‌شود تا زنان در اجرای نقشهای محوله در خانواده احساس بهبودی کنند. (۱۱: ص ۱۳۰)

در يك جمع‌بندی کلی از مباحث مطرح شده می‌توان اینگونه استنباط کرد که در مسیر تاریخ، دیدگاههای متفاوتی در خصوص مشارکت اجتماعی زنان ارائه شده که آشکار است در شیوه رفتار جوامع نسبت به این گروه مؤثر بوده است.

مطالعه و بررسیهای انجام گرفته در مورد میزان مشارکت زنان در جامعه، گویای این مطلب است. بررسیها نشانگر آن است که زنان در دنیا از میزان بیسوادى بیشترى نسبت به مردان برخوردارند. بطوری که در کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۶۰ درصد بیسوادان را زنان تشکیل می‌دهند. (۱: ص ۸۳) یکی از دلایل حضور نداشتن همه زنان در عرصه آموزش و تحصیلات و تعلیم و تربیت، کمبود امکانات آموزشی برای این گروه است. (۳: ص ۴۲)

دیگر عرصه حضور زنان در اجتماع میزان اشتغال این گروه است. با گسترش صنعت در جهان، جذب زنان در بازار کار بویژه در کشورهای صنعتی آغاز شد. اما چند نکته در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه با نگاه به جایگاه زن در سلسله مراتب شغلی، نابرابری شغلی با مرد بطور آشکار دیده می‌شود، زنان کمتر در مشاغلی که مربوط به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است، شرکت دارند. (۲: ص ۷۰) دوم اینکه از نکات بسیار مهمی که در مورد اشتغال زنان باید به آن توجه شود، میزان درآمدی است که زنان در برابر شاغل بودن در مقایسه با مردان به دست می‌آورند. بررسیها نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها اختلاف قابل توجهی میان درآمد زن و مرد وجود دارد. سازمان جهانی کار در گزارشی اعلام کرده است که با وجود شرکت گسترده زنان در بازار کار، بیشتر این زنان در مشاغل سطح پائین با درآمدهای اندک مشغول کار هستند. (۹: ص ۵۳)

### چهارچوب تبیین - مبنای تحلیل

انسان موجودی با ماهیت اجتماعی است، این ویژگی انسان در چهارچوب نیازهای مادی و غیر مادی نمود می‌یابد، به گفته دیگر، احساس نیاز در انسان موجب می‌شود که به صورت ارادی و نه انفعالی برای پاسخ به این نیازها در روابط اجتماعی غوطه‌ور شود، از این رو با توجه به شرایط، رفتار ویژه‌ای را بروز می‌دهد.

○ افسزایش آگاهی و آموزش زنان، مناسب‌ترین شیوه گسترش دادن مشارکت اجتماعی آنان است.

چنین بستری فراهم شود، انسجام و یکپارچگی اجتماعی شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر شرایط اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که برای فرد امکان انطباق با کل نظام اجتماعی فراهم باشد و این مهم بوسیله نهادهای درگیر با این امر عملی می‌شود.

چنانچه نظام اجتماعی دارای این ویژگیها باشد، امکان کنش اجتماعی خردمندانه برای افراد جامعه آماده می‌شود و فرد با توجه به پذیرش باورها و عقاید (نگر شها) و جامعه‌پذیر شدن و شکل‌گیری شخصیت خاص، توان انجام امور محوله از طرف جامعه را برای مشارکت دارد.

بنابراین نظام اجتماعی باید به گونه‌ای عمل کند که فضا برای کنش اجتماعی افراد آماده و بستر سازی شده باشد تا افراد جامعه موفق شوند بر اساس کارکردهای نظام اجتماعی، خود را با شرایط اجتماعی به صورت ارادی سازگار کنند و بطور فعال به عنوان عنصری از نظام اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند.

آشکار است که افراد با توجه به ویژگیهای فرهنگی، باورها، عقاید، نگرشهای مورد قبول، چگونگی و میزان اجتماعی شدن، نوع شکل‌پذیری شخصیت و ویژگیهای جسمی، کنش مناسب را نشان می‌دهند.

در چنین بستری، زنان به عنوان عناصری از نظام اجتماعی با پذیرش فرهنگ خاص در نتیجه اجتماعی شدن و شخصیت زانانه خود و توان جسمی، آماده هر نوع مشارکت در فضای اجتماعی هستند.

همچنین این جنس با توجه به ویژگیهای متفاوتی که دارد (سن، سواد، وضعیت تاهل و...) کنش و واکنش خاصی را بروز خواهد داد و به عنوان کنشگر اجتماعی رفتاری را نشان خواهد داد که پاسخگوی نیازهای وی باشد.

### فرضیه‌ها

#### ● مؤلفه اصلی:

نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی مثبت

روابط اجتماعی در قالب نظام اجتماعی برای پذیرش افراد باید دارای کارکردها و پویایی خاصی باشد تا توان جذب افراد را داشته باشد، این ویژگی در نظام اجتماعی موجب می‌شود که تعادل مطلوب بر جامعه حاکم باشد، و فواید اجتماعی در جامعه نهادینه شود. نمود و فواید اجتماعی را می‌توان در میزان شرکت داشتن و سهم بودن افراد مردم در همه امور جامعه که به آنان مربوط است ارزیابی کرد.

از سوی دیگر میزان دخالت (مردم) اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مشخص‌کننده میزان وفای اجتماعی است، زیرا در این صورت است که فرد احساس تحمیل شدن امور را نمی‌کند و در قبال امور اجتماعی احساس مسئولیت می‌کند.

این فرایند سبب می‌شود که فرد در این نوع نظامهای اجتماعی احساس راحتی کند و اعتماد به نفس وی افزایش یابد و در فرایندی قرار گیرد که حضور آگاهانه او به عنوان عضو جامعه و برابری نقشهای اجتماعی فعال مبتنی است و آشکارا به سوی نظام به عنوان کل و به سوی ساختهای رسمی و غیررسمی، روندی گرایشی پیدا کند.

این فرآیند، زمانی به درستی رخ می‌دهد که زیرمجموعه‌های نظام اجتماعی، توان جواب دادن به نیازهای افراد را داشته باشد و از نظر فرهنگی قادر باشد مجموعه‌ای از شناختها، باورها، عقاید، نگرشها و واقعیات جامعه را به فرد انتقال دهد، بطوریکه فرد جایگاه خویش را بشناسد، نسبت به نظام اجتماعی دارای عنصر شناختی شود و آنگاه عنصر احساسی یا عاطفی وی با شرکت در امور شکل گیرد و کنش مناسب را از خود بروز دهد.

از سوی دیگر مناسبات اجتماعی باید به گونه‌ای الگوپذیر شده باشد که فرد به دنبال نیاز خاص خود، یکی از این الگوها را پذیرا باشد که کارکرد مطلوب برای وی دارد.

در چنین حالتی، فرد دارای شناخت و ارزشهای ویژه می‌شود و چهارچوب اجتماعی مناسب را روبروی خود می‌بیند و سعی می‌کند جذب این چهارچوب شود و اگر برای بیشتر افراد جامعه

○ دستیابی به قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از ویژگیهای بارز زنان امروز است.

است.

نمونه برابر ۳۵۶ نفر برآورد شده و آنگاه با توجه به محدوده جغرافیایی متفاوت (شهر و روستا) رقم جمعیت زنان در شهر (کردکوی) ۱۷۳ نفر و در مناطق روستایی ۱۸۳ نفر را شامل شده است.

دو نکته درباره شیوه نمونه گیری قابل یادآوریست، نخست اینکه با توجه به تعداد روستاها، جمعیت انتخاب نمونه از روش نمونه گیری خوشه‌ای استفاده شد. دوم اینکه با توجه به اینکه ویژگیهای جمعیتی نمونه آماری در پژوهش حاضر از متغیرهای مورد مطالعه محسوب می‌شود، از این روش متغیرهای سن، وضع تأهل، وضع اشتغال و میزان سواد زنان در جامعه آماری نمونه گیری به شکل سهمیه‌ای صورت گرفته است.

### ۳- ابزار پژوهش

با توجه به اینکه شیوه پژوهش، پیمایشی است، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. با مطالعه پژوهشهای صورت گرفته و بررسی مقدماتی از منطقه به این نتیجه رسیدیم که مناسبترین نوع پرسشنامه استفاده از سئوالهای بسته از نوع طیف بندی لیکرت است که در قالب ۳۰ سئوال طراحی و تدوین و میزان روایی پرسشهای پرسشنامه با استفاده از فرمول «کرون باخ» برابر ۰/۷۷ محاسبه شد.

### ۴- روشهای تجزیه و تحلیل آماری

با توجه به چهار چوب فرضیه‌ها و اهداف تحقیق برای تجزیه و تحلیل آماری، از نرم افزار «SPSS» بهره گرفته شده است. در این زمینه توجه به نوع متغیر، شیوه مناسب انتخاب شد. در این زمینه برای سنجش میزان گرایش به مشارکت اجتماعی گروه مورد مطالعه با توجه به وزن گزینه‌ها و تعداد پرسشها که دارای بیشینه وزن ۱۵۰ و کمینه وزن ۳۰ است، عمل مقیاس بندی در ۵ طبقه به صورت زیر شکل گرفت: ۱-۵۴ طبقه اول، ۵۵-۷۸ طبقه دوم، ۷۹-۱۰۲ طبقه سوم، ۱۰۳-۱۲۶ طبقه چهارم و ۱۲۷-۱۵۰ طبقه پنجم و آنگاه فراوانی که نشان

### ● مؤلفه‌های فرعی:

۱- سن زنان با نوع نگرش آنان نسبت به مشارکت اجتماعی رابطه دارد (گروههای سنی متفاوت، نگرشهای متفاوتی نسبت به مشارکت اجتماعی دارند).

۲- محل سکونت (شهر-روستا) زنان با نوع نگرش آنان نسبت به مشارکت اجتماعی رابطه دارد. (نوع نگرش زنان شهری نسبت به مشارکت اجتماعی با نوع نگرش زنان روستایی متفاوت است).

۳- شاغل بودن (کار در خارج از خانه) با نوع نگرش آنان نسبت به مشارکت اجتماعی رابطه دارد. (نگرش زنان شاغل نسبت به مشارکت اجتماعی با زنان غیر شاغل متفاوت است).

۴- سطح سواد زنان به نوع نگرش آنان نسبت به مشارکت اجتماعی از تباط دارد (سطوح متفاوت سواد زنان، موجب تفاوت در نوع نگرش آنان می‌شود).

۵- چگونگی تأهل زنان با نوع نگرش آنان رابطه دارد (نگرش زنان متأهل نسبت به نگرش زنان مجرد در خصوص مشارکت اجتماعی متفاوت است).

## روش تحقیق

### ۱- محدوده مطالعاتی و جامعه آماری

با توجه به اهداف تحقیق، جامعه مورد مطالعه شامل زنان ۱۵-۵۹ ساله مناطق شهری و روستایی شهرستان کردکوی از توابع استان گلستان است. انتخاب این محدوده سنی براساس مطالعه اولیه در منطقه انجام گرفته است.

براساس آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمانهای ذیربط، جمعیت زنان شهرنشین در گروه سنی مورد نظر، برابر ۱۰۱۳۷ نفر و زنان مناطق روستایی ۱۲۲۲۰۸ نفر بوده است، بنابراین جامعه آماری این مطالعه برابر ۲۲۳۴۵ نفر شمارش شده است.

### ۲- نمونه آماری

با استفاده از فرمول منطقی «کوکران»، حجم

○ در زنان جامعه مورد مطالعه در این نوشتار، باورها و نگرشهای خاص، همانند سدی، مانع ایفای نقش اجتماعی آنان در اجتماع می‌شود.

نمرات ۱۰۳ الی ۱۲۶ قرار دارد. به گفته دیگر بین گزینه‌های مورد نظر، بیشتر زنان گزینه موافق بودن را برگزیده‌اند.

بنابراین نتیجه‌گیری نخست از جدول مذکور می‌تواند این مطلب باشد که بیشتر زنان مورد پژوهش به مشارکت اجتماعی نگرش مثبت دارند، برای روشن شدن این موضوع زنان، مقایسه با گزینه‌های دیگر مانند گزینه‌های طبقه اول و دوم چهره موضوع را بهتر روشن می‌کند.

اگر بپذیریم طبقه اول و دوم نگرش مثبتی نسبت به مشارکت اجتماعی ندارند، رقم مربوط به آن تنها ۳ درصد زنان را تشکیل می‌دهد. البته در این تحقیق، هدف مشخص کردن آمار زنان در خصوص مشارکت اجتماعی نبوده است، بلکه یک نتیجه‌گیری کلی مورد نظر است، این مهم زمانی تحقق می‌یابد که محاسبه میانگین نمره‌ها مورد توجه قرار گیرد، نمره مذکور عدد ۳/۹ را نشان می‌دهد، به گفته دیگر مجموعه نمره‌ها گویای مطلب است. هر چند تفاوتها در نوع نگرش زنان مشاهده می‌شود ولی گرایش عمده به سوی باور مشارکت اجتماعی است، بویژه این تفاوتها با توجه به مفهوم مشارکت اجتماعی (مشارکت فرهنگی، مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی) طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین گرایش در زنان مربوط به مشارکت اقتصادی، آنگاه مشارکت فرهنگی (اجتماعی) و در پایان مشارکت سیاسی است. (با میانگین نمره ۳)

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی مثبت است، به گفته دیگر، زنان جامعه مورد مطالعه دارای این باور هستند که حق مشارکت در زندگی اجتماعی دارند و این می‌تواند نشان‌دهنده مطالبه‌ها و تقاضاهای این گروه باشد، هر چند که به نظر می‌رسد بیشترین مطالبه‌ها را در عرصه‌های خاص اجتماعی، بویژه اقتصادی دارند.

همچنین مباحث ارائه شده نشانگر ویژگیهای گروه مورد مطالعه در یک دیدگاه کلی است و از سوی دیگر تصویری است گویا از میزان باورها و

دهنده نمره‌های آزمودنی است محاسبه شد. این فراوانی، گویای میزان نگرش مثبت یا منفی جامعه مورد مطالعه است.

پس از سنجش میزان نگرش که هدف اصلی این پژوهش بود، برای تعیین میزان همبستگی و تفاوتها، از روشهای همبستگی ساده و مرکب و مقایسه میانگین‌ها بهره گرفته شد.

## داده‌ها و یافته‌ها

۱- سنجش میزان نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی از اهداف اولیه و اصلی پژوهش، سنجش میزان نگرش گروه مورد مطالعه نسبت به مشارکت اجتماعی بوده است. شیوه اندازه‌گیری در بخش مربوط به روشهای آماری آورده شده است. جدول مورد نظر با توجه به یافته‌ها به این ترتیب تنظیم شده است.

### جدول شماره (۱) - مقیاس بندی نمره‌های نگرش

درصد	تعداد	نمره‌ها	طبقه
صفر	صفر	۱-۵۴	۱
۰/۳	۱	۵۵-۷۸	۲
۲۶/۵	۱۳۰	۷۹-۱۰۲	۳
۵۹/۵	۲۱۲	۱۰۳-۱۲۶	۴
۲/۷	۱۳	۱۲۷-۱۵۰	۵
۱۰۰	۳۵۶	-	کل

این مقیاس بندی بر اساس نمره‌های سلسله‌مراتبی تنظیم شده است، به گفته دیگر این جدول نشان می‌دهد که گروه پژوهش چه درجه اهمیتی را برای مشارکت اجتماعی قائل است، از سوی دیگر جدول مذکور گویای این مطلب است که اگر پایین‌ترین نمره ۳۰ و بالاترین نمره نگرش ۱۵۰ باشد، گروه پژوهش شده چه نمره‌ای را به خود اختصاص داده است تا از این راه میزان گرایش در یک پیوستار، قابل اندازه‌گیری باشد.

همانگونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی مربوط به طبقه ۴ است که بین

○ در جامعه آمریکا، بیشتر ثروت در اختیار زنان است و آنان بر رسانه‌های نوشتاری و رادیو و تلویزیون نفوذ دارند.



نگرشهای زنان مورد مطالعه در خصوص مشارکت اجتماعی. این ویژگیها در قالب یک چهارچوب تبیینی و در همبستگی با هم قابل فهم و درک درست است، از این رو برای دستیابی به چنین هدفی در مباحث آتی با توجه به نمونه تحقیق، سعی می شود تفاوت نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی گروه، مورد تبیین و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲- رابطه بین سن و میزان نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی

بر اساس فرضیه های ارائه شده تفاوت در سن می تواند سبب تفاوت در نوع نگرش شود. جدول شماره ۲ نشانگر درستی این ادعا است، به گونه ای که دیده می شود با افزایش سن، میزان نگرش کاهش می یابد، به گفته دیگر، افراد سنین بالا نسبت به مشارکت اجتماعی رغبت کمتری دارند. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه بسیار جوان است و در آینده به علت ترکیب سنی این روند ادامه خواهد داشت، در نتیجه گرایش به مشارکت اجتماعی افزایش خواهد یافت.

۳- رابطه بین سواد و میزان نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی

ویژگی بالازمائی که متغیر سواد (میزان تحصیلات) مورد بررسی قرار می گیرد جدول شماره ۲ چگونگی نگرش به مشارکت اجتماعی را بهتر مشخص می کند، همانگونه که دیده می شود همبستگی مستقیمی بین میزان سواد و نگرش وجود دارد، به گفته دیگر با افزایش سطح تحصیلات، گرایش به مشارکت اجتماعی افزایش

می یابد.  
۴- رابطه بین وضع فعالیت، محل سکونت و وضع تأهل با نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی

چگونگی تأهل در فرضیه تحقیق، یکی از متغیرهایی بود که مورد توجه قرار گرفت، به نظر می رسد که در زنان متأهل و مجرد، تفاوت در نگرش به مشارکت اجتماعی وجود دارد، جدول شماره ۳ نشان می دهد که این فرض مورد تأیید است. پدیده تفاوت در نگرشها با توجه به چگونگی فعالیت (شاغل - غیر شاغل) هم دیده می شود، یعنی زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل در نوع نگرش به مشارکت اجتماعی متفاوت فکر می کنند. اما در خصوص محل سکونت (شهر یا روستا) زنان مورد مطالعه این تفاوت معنی دار نیست، به گفته دیگر، بین نگرش زنان روستایی و شهری تفاوتی دیده نمی شود.

۵- همبستگی مرکب

در این بخش با توجه به مطالب گفته شده به منظور تبیین میزان تأثیر پذیری نوع نگرش از متغیرهای مورد بررسی (سن، سواد، وضعیت تأهل، چگونگی فعالیت، محل سکونت) از تکنیک همبستگی مرکب بهره گرفته شده است (جدول شماره ۴)

همانگونه که در جدول آورده شده، در ابتدا تأثیر همه متغیرهای مورد بررسی بر متغیر نوع نگرش مورد توجه بود. بررسی جدول شماره ۴ نشان می دهد که همبستگی نسبتاً قوی

جدول شماره (۲) - رابطه بین سن و سواد با نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی

ردیف	متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون (Value)	سطح معنی داری (SIG)
۱	سن	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰
۲	سواد	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۹۰	۰/۰۰۰

جدول شماره (۳) - مقایسه میانگینها

سطح معنی داری	درجه آزادی	T	متغیر
۰/۰۰۰	۳۴۵	۷/۱۳	چگونگی تأهل
۰/۰۰۰	۳۴۵	۷/۱۸	چگونگی فعالیت
	۳۴۵	۰/۸۶	محل سکونت

○ نمود وفاق اجتماعی  
را می توان در میزان شرکت  
داشتن و سهام بودن آحاد  
مردم در همه امور جامعه  
ارزیابی کرد.

○ در این تحقیق، بیشترین گرایش در زنان مربوط به مشارکت اقتصادی، سپس مشارکت فرهنگی و اجتماعی و در پایان مشارکت سیاسی است.

جدول شماره (۸) - همبستگی رنج گریز از تحرکات بین-کشور - فصل - قابلیت همکاری

R2	R	مکون		میلین		فصل		بهره		سن				
		میلیون	ب	میلیون	B	میلیون	b	میلیون	B	میلیون	B			
۰/۳۱۷۱۶	۰/۶۶۶۰	۰/۲۸۸۶۲	۰/۶۱۱۰۳۵	۰/۲۲۵۱۲۹	۶/۶۲۰۸۲۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۹۸۷۳	۵/۳۲۵۶۹۲	۰/۰۰۰۰	۲/۱۵۸۶۵	۲/۹۳۱۴۷۰	۰/۵۷۶۷	۰/۳۰۳۱۲	۰/۳۳۹۵۲
۰/۳۱۷۲۳	۰/۶۶۶۰۹	۰/۲۲۲۱۸	۰/۶۸۲۰۲۸	۰/۲۲۱۸۰۷	۶/۳۷۰۷۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۲۳۰۰۱۷۶	۵/۵۷۳۸۲۲	۰/۰۰۰۰	۰/۲۲۹۷۵۱	۰/۹۷۲۹۰۶	-	-	-
۰/۳۱۶۶۴	۰/۶۶۵۲۲	-	-	۰/۲۲۱۸۰۲	۶/۲۶۹۷۳۵	۰/۰۰۰۰	۰/۲۳۳۶۹۹	۵/۶۸۲۸۲۲	۰/۰۰۰۰	۰/۲۲۲۸۱۷	۰/۸۵۷۲۰۸	-	-	-
-	-	۰/۲۲۶۴	۰/۰۳۲۲۱۸	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۰۹۲	۰/۰۳۵۷۰۷	۰/۰۳۵۶۴

( $R=0/64450$ ) بین آنها وجود دارد و با توجه به مقدار ضریب تعیین ( $R^2=0/41796$ ) و معنی دار بودن رابطه امکان تبیین این ارتباط آماده شد. به گفته دیگر، میزان تغییرهای نگرش از راه متغیرهای سن، سواد، چگونگی تاهل، چگونگی فعالیت و محل سکونت قابل پیش بینی است.

برای روشن شدن میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مورد نظر بر میزان نگرش، جدول شماره ۴ مورد بررسی قرار می گیرد.

سواد زنان مورد مطالعه بیشترین تأثیر را بر میزان نگرش این گروه دارد، با افزایش سطح سواد، نگرش به مشارکت اجتماعی زنان تقویت می شود. رتبه بعدی مربوط به چگونگی فعالیت است، زنان شاغل گرایش بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند و آنگاه وضعیت تاهل قرار دارد، همانطوری که در جدول دیده می شود، گرایش به مشارکت اجتماعی در زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل است.

اما دو متغیر دیگر (محل سکونت - سن) به علت معنی دار نبودن، کمکی به روشن شدن این رابطه نمی کند، به گفته دیگر امکان سنجش میزان تغییرات نگرش از راه متغیرهای گفته شده وجود ندارد.

برای روشن شدن نقش هر یک از متغیرهای تأثیر گذار در مراحل بعدی، متغیرهای با تأثیر کمتر حذف شد، همانطور که جدول شماره ۴ دیده می شود، حذف متغیر سن و محل سکونت آنچنان تأثیری در روشن شدن و پیش بینی معادله ندارد.

بنابراین در یک جمع بندی کلی میزان سواد، چگونگی فعالیت و تاهل در جامعه نمونه مورد بررسی، قابلیت سنجش تغییرات در میزان نگرش زنان نسبت به مشارکت اجتماعی را دارد. به گفته دیگر، فرضیه های شماره ۳، ۴ و ۵ مورد تأیید قرار گرفت، اما فرضیه های شماره ۱ و ۲ تأیید نشد. البته همانگونه که در ادامه مطلب، توضیح داده می شود، پاره ای از این متغیرها به تنهایی توانایی تعیین کنندگی (سن و ولی در یک معادله کلی به علت ارتباط همبستگی) زیاد با متغیرهای دیگر این توانایی را از دست می دهد.

به منظور دستیابی به یک دیدگاه کلی، یافته های

جدول شماره ۴ با توجه به تحقیقات و بررسیهای انجام گرفته توسط پژوهشگران دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

متغیر سواد، بالاترین تأثیر را بر نوع نگرش مورد بررسی داشته است که با توجه به مطالعات دیگر این پدیده، قابل پیش بینی بود، زیرا آگاهی فرد، نقش اساسی در میزان مشارکت و فعالیتهای اجتماعی وی دارد.

یکی از دلایل مهم حضور نیافتن زنان در فعالیتهای اجتماعی بویژه در کشورهای در حال توسعه، پائین بودن آمار باسوادان بویژه سطح پائین تحصیلات این گروه است. روند بیسوادی در ایران رو به کاهش است، اما هنوز درصد قابل توجهی از زنان از بیسوادی رنج می برند، از سوی دیگر بررسی سطوح تحصیلی نشان می دهد که کمتر از ۵۰ درصد از زنان در دوره عالی تحصیلات مشغول هستند و همواره درصد دانشجویان زن از مردان کمتر بوده است.

بنابراین درصد بالای بیسوادی و سطوح پائین تحصیلات زنان کشورمان، از عوامل اصلی مشارکت نداشتن اجتماعی آنان در جامعه است. اضافه بر اینکه تحصیلات ناکافی و آموزش ناقص زنان همانگونه بر نوع نگرش آنان تأثیر می گذارد، از محدودیتهای اولیه این گروه، برای حضور در فعالیتهای اقتصادی (اشتغال) به حساب می آید.

متغیر سن با اینکه به تنهایی پیوندی تنگاتنگ با نوع نگرش زنان دارد - جدول شماره ۲ - ولی هنگامی که با دیگر ویژگیهای گروه مورد بررسی در یک معادله همبستگی قرار می گیرد، معنی خود را از دست می دهد، زیرا همانگونه که جدول شماره ۲ نشان می دهد، این متغیر، پیوند زیادی با سواد دارد، در نتیجه سن، هنگامی که با تحصیلات فرد همراه می شود تحت تأثیر سواد قرار می گیرد، به گفته دیگر ملاک و شاخص اصلی تأثیر گذار، سواد است، به این مفهوم که سواد در همه گروههای سنی، نقش اساسی در نوع نگرش افراد دارد، به گونه ای که اثر سن را از بین می برد. از این رو در یک پیوند کلی، مقدار تأثیر قابل توجه نیست.

همانگونه که در جدول شماره ۳ دیده می شود

○ یکی از دلایل مهم حضور نیافتن زنان در فعالیتهای اجتماعی بویژه در کشورهای در حال توسعه، پائین بودن سطح تحصیلات آنان است.

(شهر و روستا) بسیار اندک است و در بسیاری از مواقع اصلاً وجود ندارد. از این رو باور زنان این منطقه در قالب شهر نشینان و روستا نشینان قابل طبقه‌بندی نیست و تفاوت بارزی بین آن وجود ندارد.

بنابر این در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که سطح تحصیلات متفاوت، موجب نگرش متفاوت می‌شود و همچنین گرایش به مشارکت اجتماعی در زنان شاغل بیشتر از زنان غیر شاغل و در زنان مجرد، بیشتر از زنان متأهل است. از سوی دیگر تفاوت سن، با توجه به تفاوت سطح تحصیلات در این نوع رابطه قابل توجه است و تفاوت در محل سکونت نقشی در تفاوت نوع نگرش ندارد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده، سنجش میزان نگرش نسبت به مشارکت اجتماعی گویای این موضوع است که بیشتر افراد نمونه، دارای گرایش مثبت نسبت به مشارکت اجتماعی هستند، و بطور کلی باور عمومی گروه، به مشارکت اجتماعی و فعال در عرصه‌های اجتماعی است، گرچه با توجه به نوع مشارکت (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی) درجه گرایش نیز متفاوت است.

همانگونه که در مبحث داده‌ها و یافته‌ها ترسیم شد، باور و مشارکت اجتماعی در زنان با توجه به ویژگی‌های اجتماعی آنها متفاوت است، همانگونه که اشاره شد با افزایش سن، گرایش به مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد. به گفته دیگر، نوجوانان و جوانان گرایش بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند، در نتیجه با توجه به ساختار جمعیتی که دارای ترکیبی جوان است، انتظار می‌رود این روند در آینده ادامه یابد و همراه با جوانتر شدن جمعیت فزونی یابد. از این رو برنامه‌ریزی مناسبی را در این مورد از جامعه می‌طلبید.

سواد و سطح تحصیلات همبستگی زیادی را

چگونگی تأهل، ویژگی دیگری بود که مورد مطالعه قرار گرفت، با توجه به ارقام ارائه شده، زنان مجرد نسبت به زنان متأهل گرایش بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند. با توجه به گروه‌های سنین مورد مطالعه و سطح سواد این گروه که معمولاً در گروه‌های سنی پائین، میزان تحصیلات بالاست، روشن است که در این گروه گرایش به مشارکت اجتماعی بالاتر است، از طرف دیگر با توجه به ارزش و کارکرد خانواده در جامعه و وظایف سنگین زنان در برابر خانواده، مجال مشارکت اجتماعی در زنان متأهل بسیار پائین است.

چگونگی فعالیت، دیگر ویژگی بود که نشان می‌داد زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل نگرش مثبت‌تری نسبت به مشارکت اجتماعی دارند. با توجه به باور عمومی زنان که استقلال مالی را یکی از متغیرهای عمده برای امنیت زندگی فردی خود می‌دانند، روشن است که مشارکت اجتماعی از این پس مورد ارزیابی آنها قرار می‌گیرد، از این رو با همه موانعی که بر سر راه مشارکت اقتصادی زنان وجود دارد، ولی بر سرسیها نشان می‌دهد گرایش زنان به کار خارج از خانه همچنان رو به افزایش است.

چنانکه بررسیها و تحقیقات نشان می‌دهد، زنان علت اصلی اشتغال به کار خارج از خانه را فایده آن در استقلال مالی و سپس درک بهتر مسائل اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس می‌دانند. از این رو گرایش به مشارکت اجتماعی در زنان شاغل بیشتر دارای انگیزه اقتصادی است. البته این گرایش در زنان مجرد شاغل بیشتر از زنان متأهل شاغل است، بنابر این نتیجه به دست آمده از این تحقیق، نتایج پژوهشهای قبلی را تأیید می‌کند:

محل زندگی فرد در شکل‌گیری نوع خاصی از نگرشها و باورها، نقش اساسی دارد. در این تحقیق روشن شد که تفاوت معناداری بین نگرش زنان شهری و زنان روستا نشین دیده نمی‌شود، البته با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی (مسافت)، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه، این پدیده قابل پیش‌بینی بود، زیرا با یک بررسی جامعه‌شناسانه روشن می‌شود که تفاوت بین باورها، ارزشها و بطور کلی آداب و رسوم بین این در محل زندگی

○ با افزایش سن زنان، گرایش به مشارکت اجتماعی در آنان کاهش می‌یابد و نوجوانان و جوانان گرایش بیشتری به این امر نشان می‌دهند.

با نگرش مثبت نسبت به مشارکت اجتماعی دارد. با افزایش سواد، میزان نگرش مثبت افزایش می‌یابد، به گفته دیگر تحصیلات بیشتر، موجب شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای خاص برای مشارکت در عرصه‌های اجتماعی می‌شود.

با توجه به روند افزایش تعداد باسوادان در زنان و گرایش زیاد آنان به تحصیلات عالی قابل پیش‌بینی است که در آینده جامعه با موج مطالبات اجتماعی روبرو شود. از این رو جهت دادن به نوع آموزش زنان بویژه در سطوح بالای تحصیلی بسیار دارای اهمیت است. به گفته دیگر رشته‌های تحصیلی باید به گونه‌ای تنظیم و برنامه‌ریزی شود که امکان جذب این گروه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امکان‌پذیر شود، چون در غیر این صورت در نتیجه درخواستها و تقاضای این گروه، احتمال بحران هویت اجتماعی زنان و ناهنجاریهای اجتماعی قابل پیش‌بینی است.

همچنین داده‌ها نشانگر آن است که گرایش به مشارکت اجتماعی در زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل است، با توجه به جوان بودن جمعیت و نیز بالا رفتن سن ازدواج، احتمال می‌رود در آینده زنان مجرد بیشتری خواهان مشارکت در عرصه‌های اجتماعی باشند که جامعه باید خود را برای آن زمان آماده کند.

اگر بپذیریم در آینده ترکیب جمعیت شاغل کشور از نظر جنسیت تغییر خواهد کرد و درصد بیشتری از زنان وارد فعالیتهای اقتصادی می‌شوند، در آن صورت تقاضاهای اجتماعی دیگر، مورد نظر این گروه قرار خواهد گرفت که می‌تواند مطالبات حقوقی و قانونی آنها را افزایش دهد.

از سوی دیگر با توجه به همگونی در رویکردها، سلیقه‌ها، نگرش‌ها و بطور کلی ویژگیهای فرهنگی در منطقه، نوعی هم‌گرایی در نوع نگرش شهرنشینان و روستائینان دیده می‌شود، از این رو زنان شهری و روستایی با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی در آینده، مطالبات تقریباً یکسانی خواهد داشت.

با توجه به دیدگاههای این بخش، می‌توان در یک جمع‌بندی کلی این نتیجه را گرفت که در زنان

جامعه مورد مطالعه، احساس نیاز به مشارکت اجتماعی شکل گرفته است، زیرا شرکت در فعالیتهای اجتماعی را به مانند کار کردهایی می‌دانند که می‌تواند به نیازهای اجتماعی، روانی و اقتصادی آنها پاسخ دهد.

از این رو جامعه‌پذیری و شکل‌پذیری شخصیت گروه مورد مطالعه به گونه‌ای است که به‌عنوان عنصری از نظام اجتماعی نیاز به مشارکت فعال در عرصه‌های اجتماعی را احساس کرده و در زمینه اجتماعی، دنبال جایگاه و نقش ویژه خود است که در این صورت نظام اجتماعی باید خود را آماده پاسخ مناسب برای این گروه (زنان) کند.

### چند پیشنهاد

۱- پیشنهاد می‌شود با توجه به اهداف تحقیق حاضر، مطالعه و بررسی کاملتر دیگری در خصوص موضوع مورد نظر انجام گیرد، به گونه‌ای که ابعاد دیگر این مسأله مورد بررسی قرار گیرد.

۲- با توجه به اینکه سن همراه با تحصیلات، نقش اساسی را در گرایش به مشارکت اجتماعی ایفا می‌کند و از سوی دیگر جوان بودن جمعیت منطقه و روند روبه‌افزایش باسوادان و سطح تحصیلات، روشن است گرایش به مشارکت اجتماعی در آینده افزایش می‌یابد که می‌تواند سبب مطالبات اجتماعی بیشتری شود. از این رو برنامه‌ریزی جامعی در این زمینه لازم است. در نتیجه جامعه باید خود را آماده پاسخگویی به این تقاضاها کند و برای پاسخ به این نیازها آموزش جامعه باید به گونه‌ای باشد که انتظارات را با واقعیت‌های اجتماعی هماهنگ کند، تا از این راه، امکان پاسخگویی به پاره‌ای از آنها فراهم شود.

۳- تسایح تحقیق نشان داده است مجردها نگرش مثبت تری نسبت به مشارکت اجتماعی دارند، از این رو با توجه به بالا رفتن سن ازدواج به نظر می‌رسد در آینده زنان بیشتری خواهان

- روز، جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۸، صفحات ۳۸۵۰.
۴. خلخالی، علی، زن از دیدگاه اسلام، انتشارات قرآن، قم، بی تا.
۵. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد سوم، مؤسسه انتشاراتی امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶.
۶. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ششم، نگاه، تهران، ۱۳۷۱.
۷. رضایور، مهتاب، زن در رویکرد اصلاحی امام خمینی (ره)، خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی (ره)، کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد، تهران، ۱۳۷۸، صفحات ۳۶-۳۹.
۸. ریشرز، جرج، نظریه های جامعه شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، مهارت، تهران، ۱۳۷۴.
۹. زینبده گرجی، فرشته، اشتغال زنان در جامعه امروز ایران، پایان نامه دانشگاه پیام نور به شهر، ۱۳۷۸.
۱۰. شخص استاد، محسن، نقش سیاسی و اجتماعی زن، خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن، ناشر کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. شرمین، وود، دیدگاه های نوین جامعه شناسی، ترجمه مصطفی از کیا، کیهان، تهران، ۱۳۶۹.
۱۲. شعبانی، رضا، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، قومس، تهران، ۱۳۷۵.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، جلد چهارم، ترجمه محمد رضا صالحی کرمانی و سیدمحمد خاتمه، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۶۶.
۱۴. علویقی، علی اکبر، زن در آینه تاریخ، انتشارات چاپ، تهران، ۱۳۵۷.
۱۵. عنایت، حلیمه، تحقیقی پیرامون تأثیر اشتغال مادران بر ابعاد مختلف خانواده در استان فارس، انتشارات کمیسیون بانوان، شیراز، ۱۳۷۵.
۱۶. قائم مقامی، فرهنگ، آزادی یا اسارت زن، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۵.
۱۷. قطب، محمدعلی، جامعه شناسی تاریخی زن، ترجمه محمدعلی عابدی، بی تا، بی جا، بی تا.
۱۸. مجموعه مقالات فرهنگی و اجتماعی، دومین نمایشگاه تشخیص و منزلت زن در نظام اسلامی، بی تا، تهران، ۱۳۷۰.
۱۹. مطیع، ناهید، «فمینیسم در ایران»، مجله زنان، شماره ۱۳۳، ۱۳۷۵.
۲۰. هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن، شفق، تهران، ۱۳۷۲.
- مشارکت اجتماعی باشند، البته این گرایش بیشتر به سمت مشارکت های اقتصادی است. در نتیجه جامعه باید مشاغل مرتبط با ویژگی های زنان را به آنها واگذار کند و به دنبال آن مشاغل ویژه زنان در جامعه دسته بندی شود و تعداد آن افزایش یابد.
- ۴- این تحقیق نشان داده است که زنان شاغل دیدگاه مثبت تری نسبت به مشارکت اجتماعی دارند. با توجه به اینکه مشارکت اقتصادی آنها تأمین شده است، در نتیجه در این گروه مطالبات ویژه ای شکل گرفته است. از جمله نقش بالاتر در مشارکت اقتصادی، مدیریت آنها و تصمیم گیری ها و همچنین مشارکت در دیگر زمینه های اجتماعی از جمله سیاسی و فرهنگی مورد نظر که جامعه باید خود را آماده پاسخ به این نیازها کند.
- بنابر این بطور کلی جامعه باید دو برنامه مشخص و هماهنگ را در آینده برنامه ریزی و تنظیم کند. در مرحله نخست خود را مهیا کند تا به نیازهای مشارکت اقتصادی زنان پاسخ دهد و در مرحله دوم با توجه به گرایش عمده مشارکت اقتصادی، انگیزه های مشارکت اجتماعی را از راه آموزش درست به وسیله نهادهای آموزشی و تربیتی (مدارس، دانشگاهها، رسانه ها) شفافتر کند، بطوری که زنان بستر مشارکت اجتماعی را فراتر از مشارکت صرف اقتصادی به حساب آورند و گروهی از آنها در زمینه های فرهنگی و سیاسی فعالیت کنند.

## منابع

۱. آشفته تهرانی، امیر، جامعه شناسی جهان سوم، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۳.
۲. جدی زنجانی، سوسن و فیروزه صابر، بررسی جایگاه و نقش زنان در سطوح قانونگذاری، سیاست گذاری و برنامه ریزی و اجرایی کشور، مجموعه مقالات زن، علم و صنعت و توسعه، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری. ۱۳۷۴، تهران، صفحات ۱۷۱-۱۵۱.
۳. حسینی نیا، غلامحسین، راهبردی در تحقق آرمان برابری جنسیتی و دستیابی به نمودی از توسعه انسانی پایدلو، مجموعه مقالات توانمندسازی دختران روستایی